

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ می ۲۰۲۳

عمران خان، پاکستان و افغانستان!؟

(۲)

پنجشنبه- ۲۱ ثور ۱۴۰۲ - کابل: هر چند در آغاز تصمیم داشتیم تا این بخش نگاشته را به تأثیرات زندانی شدن "عمران خان" و پی آمد های آن بر حاکمیت در افغانستان و مردم ما اختصاص دهیم، مگر انکشافات اخیر که در خود پاکستان به وجود آمد، من را واداشت تا قبل از آن، باز هم سری به پاکستان زده و دنباله شورش مردم آن کشور را دنبال کنم:

۱- هر چند به مثابه فردی که هیچ گاهی از آتش گرفتن خانه و کاشانه فرد دیگری حتما دشمنان خونی ام احساس شادی که باشد سرگرایش حتما احساس رضایت و آرامش هم نکرده ام و کلاً ویرانگری را از جانب هر کسی که باشد محکوم می نمایم، مگر وقتی در تلویزیون ها شعله های آتش برخاسته از خانه "شهباز شریف" صدراعظم فراری پاکستان را- از آغاز شورش هواداران عمران خان با تعدادی از اعضای کابینه و سران ارتش یک عده به انگلستان و جمعی دیگر به امارات متحده عربی فرار کرده اند- و فرمانده عمومی فعلی و سابق ارتش پاکستان و مراکز "آی. اس. آی." می بینم نمی توانم به یاد گفته های دو تن از قاتلان خلق ما، "ضیاءالحق" و "اختر عبدالرحمان" که بزرگترین آرزوی شان را به آتش کشیدن کابل اعلام می داشتند و جهت تحقق همان آرزو جانشینان آنها از "بی نظیر بوتهو" گرفته تا "نواز شریف" در جریان سگ جنگی های داخلی جهادی ها، نه تنها شهر کابل را به آتش کشیدند بلکه تنها در همین شهر بیش از ۶۵ هزار از همشهریان کابلی ما را به قتل نیز رسانیدند، نیز نیفتیم و ضرب المثل "کسی که با شمیر بازی می کند، با شمیر نیز گشته خواهد شد" با این عبارت انکشاف ندهم: **"آنهاهی که با آتش بازی می کنند سرانجام در آتش خواهند سوخت"**

۲- همان طوری که در نگاشته روز قبل تذکار دادم عکس العمل طرفداران عمران خان آنهم در شرایطی که به جز عده قلیلی از سران ارتش و وابستگان حاکمیت و کمپرادوران وابسته به امپریالیسم بقیه نفوس بیش از ۲۲۰ میلیونی پاکستان چنان در بیکاری، غربت و فقرزندگانی می نمایند که به پیداکردن نان صرف یکبار برای هر ۲۴ ساعت محتاج مانده اند در نتیجه از به هم خوردن نظم حداکثر استفاده را جهت تاراج اموال و اشیای منقول وابستگان حاکمیت می دانند، در همسویی با یک دیگر چنان فضائی را به وجود آوردند که به صدها دکان، خانه، دفتر و موتر به آتش کشیده شده آنچه قابل بردن بود به یغما برده شد، دولت پاکستان را چنان غافلگیر نمود که از سر ناگزیری تا حال جهت کنترل اوضاع، تدابیر سه گانه آتی را اتخاذ نموده است:

*- دولت علی رغم آن که حمله اش را بر "عمران خان" در مشوره و با کسب اجازه از دو شریک قدرتمند و حافظان امنیت پاکستان یعنی جمهوری خلق چین در یک طرف و امپریالیسم امریکا-انگلیس و بقیه شرکاء در سمت دیگر گرفته بودند، مگر از آنجائی که از میزان نفوذ واقعی طرفداران "عمران خان" در درون ارتش با وجود تصفیه های یک سال اخیر، مطمئن نبودند؛ شخص صدراعظم و تعدادی از وزرای کلیدی و نزدیک به صدر اعظم و همچنین بخشی از سران ارتش از پاکستان فرار نموده، جمعی به انگلستان و تعدادی به امارات پناه برده اند. این که گفته اند "خانن خائف است" تنها در مورد "غنی احمدزی" صدق نمی نماید بلکه در مورد "شهباز شریف" بیشتر از "غنی" گریختگی مصداق می یابد؛

*- تدبیر دوم آنها اعزام واحدهای صد درصد مطمئن ارتش به اسلام آباد جهت حفظ ادارات دولتی مهم مانند پارلمان، تعمیر صدارت، محل اقامت رئیس جمهور و تعدادی از سران دولت و ارتش می باشد. دولت با اعزام ارتش به خیابانهای اسلام آبا و تعدادی از شهرهای بزرگ چون لاهور، پندی، کراچی و حتا پشاور و کوئته با تمام تجهیزات کامل ارتشی به شمول تانکها و موتر های زرهی، جنگ مخفی بین ارتش و طرفداران عمران خان را علنی ساخته به همان اندازه که چانس و احتمال سرکوب شورش را بیشتر ساختند، تقابل مردم با ارتش و تابوی دست بلندکردن بر روی ارتش را نیز شکستاندند.

امری که هر چند عجالاً با رویه نسبتاً سازشکارانه ای که ارتش علیه شورشیان حداقل در خیابانها نشان می دهد، ممکن است باعث آوردن آرامش بگردد مگر در دراز مدت چیزی به نام اتوریته برای ارتش باقی نخواهد ماند. حقیقتی که برای هر دولت در هر گوشه ای از جهان به معنای آغاز انجام اتوریته ارتش به شمار رفته و می رود.

*- سومین تدبیر وارد ساختن به اصطلاح "دادگاه عالی پاکستان" به انگیزه های این شورش می باشد. هر چند در روز سه شنبه دادگاهی که حکم دستگیری، حبس و شکنجه عمران خان را صادر نموده بود، از نام "دادگاه عالی" استفاده کرده بود، مگر وقتی حاکمیت متوجه شد که شورش می تواند همه چیز را از آنها بگیرد، از "دادگاه عالی پاکستان" خواست تا حکم قبلی را فاقد مشروعیت اعلام داشته امر به رهائی "عمران خان" بدهد؛

*- همزمان با موضعگیری های متناقض دولت پاکستان، دیده می شود که حامیان دولت در شرق و غرب به نحوی غافلگیر شده، جای حمایت های شان با صدای بلند را، "اگر و مگر" معمول دیپلماتیک گرفته است. هموطنان گرامی!

گلوله برفی که در آغاز شاید کوچکتر از یک توپ فوتبال بود، در طی دو روز گذشته به چنان بهمن مهیبی مبدل شده است که ظرفیت دارد همه چیز را از سر راه خود بزدايد. آنچه در این تقابل بیش از همه می تواند تعیین کننده باشد اراده هائی اند که مقابل یک دیگر قرار می گیرند. دولت در حالی که از یک سو با فرار صدراعظم در عمل مردم را به ادامه شورش تشجیع می نماید و ظاهراً با برداشتن حکم زندان از بالای "عمران خان" عقب نشینی می نماید، از سوی دیگر با کشتن ده تن از هواداران عمران خان در روی خیابانها و به زندان افگندن بیش از ۲۰۰۰ تن از هواداران دیگرش من جمله معاونان حزبش چون "محمود قریشی" وزیر خارجه دولت "خان" در عمل با فریب و تفنگ می خواهد بر اوضاع مسلط شود این که "عمران خان" واقعاً به تعهد خود در مبارزه علیه ارتش وفادار می ماند و یا خیر و همچنان سایر مخالفان حاکمیت که تا حال اصلاً در این جنگ وارد نشده اند چه موضعی اتخاذ خواهند نمود، نکاتیست که می شود گفت:

تا هنوز احتمال این که معضل کنونی پاکستان در خیابان حل شود، منتفی نشده است.

ادامه دارد

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!